

حقوق ممتازه جامعه زنان نسبت به مردان در فقه اسلام و حقوق ایران

صدیقه السادات فقیه^۱ حامده خادم چهارمی*^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۰۴ صص ۷۳-۹۶ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۱۸

چکیده

بررسی مجموعه‌ی مقررات فقه اسلام و حقوق ایران روشن‌گر این است که نه تنها عدالت حقوقی میان جامعه‌ی زنان و مردان، حکم‌فرما است؛ بلکه محقق در این راستا با احکامی مواجه می‌شود که هفتادونگذا، به صورت کاملاً جانبدارانه‌ی زنان جامعه را مورد حمایت ویژه قرار داده است. برخلاف رویکرد فمینیسم نسبت به تعامل اسلام با جامعه‌ی زنان، کمیت و کیفیت این مقررات، تا حدی است که حتی احتمال تبعیض جنسیتی در اسلام به نفع زنان به ذهن متبادر می‌شود. بهره‌مندی از حقوق مطالبه‌ی نفقه، مهریه، جهیزیه، اجرت‌المثل ایام زوجیت، اجرت رضاع و شیردهی، نخله، متاع به معروف، اولویت در حضانت اطفال، امکان الزام مرد به داشتن فرزند، حق تقدم در دریافت مهریه و نفقه نسبت به سایر طلبکاران و عدم تکلیف در خصوص شرکت در جنگ، نماز جماعت، انجام وظایف خارج از منزل و انجام خدمت عمومی از جمله امتیازات ویژه‌ای هستند که در اسلام و حقوق ایران، صرفاً به زنان جامعه اختصاص یافته است. از دیگر نتایج تقریر چنین قواعد حمایتی، وضع تکالیف محدودتر و سهل‌تر برای جنس مؤنث نسبت به جنس مذکر در حوزه‌ی قوانین است. مقاله‌ی حاضر، با روش توصیفی - تحلیلی، درصدد پاسخ‌گویی به انتقادات فمینیسم به رویکرد اسلام به جنس زن از بعد فقهی و حقوقی است و با ارائه‌ی مستندات، به نقد ادله‌ی مخالفان در خصوص موضوعات ارث، دیه، حق طلاق، قضاوت، شهادت، ولایت پدر بر دختر در ازدواج که از دیدگاه ایشان، به عنوان مهم‌ترین تبعیضات میان زن و مرد در حوزه‌ی مقررات شرعی و قانونی تلقی گردیده، پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: حقوق ممتازه، زنان، فقه، حقوق، فمینیسم

۱- دکتری حقوق خصوصی، استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور

۲- دکتری فلسفه و کلام اسلامی، استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور

*- نویسنده مسئول مقاله: hamedekhadem@yahoo.com

مقدمه

یکی از مسائل مهمی که در چند دهه‌ی اخیر در محافل حقوقی، اجتماعی و سیاسی جهان مطرح بوده و هنوز هم در گوشه و کنار این عالم، بازار گرم و پررونقی دارد، مسأله‌ی دفاع از حقوق و شخصیت زن است. مکاتب دینی و سیاسی درباره‌ی حقوق زن، نظرات مختلفی را بیان کرده‌اند. در میان این مکاتب، مکتب جامع‌نگر اسلام که قوانین آن از سرچشمه‌ی وحی سرچشمه گرفته است با در نظر گرفتن همه‌ی ویژگی‌های زنان، منزلت و کرامت والایی را برای آنان قائل شده است. بدون شک از نظر تکوینی، تفاوت‌های حکیمانه‌ای میان زن و مرد وجود دارد، اما در عین حال بین حقوق و تکالیف زن و مرد، نوعی تعادل برقرار است. بررسی همه‌جانبه‌ی شریعت مقدس اسلام، روشن‌گر این واقعیت است که مخاطب اصلی آیات الهی و شریعت مقدس، همان «حقیقت آدمی» و «انسانیت انسان» است و جنسیت او جایگاهی اساسی ندارد و هیچ‌گاه تفاوت‌های حقوقی بر وجود تفاوت در «هویت انسانی» زن و مرد دلالت نمی‌کند.

از نظر اسلام و بلکه در تمام ادیان الهی، تناسب تکوینی ممکن است زمینه‌ساز وجود مناسباتی در قانون‌گذاری و تشریح شود که چنین اختلافاتی در احکام و قوانین هم کاملاً براساس حکمت و برای تنظیم روابط سالم اجتماعی و نیل به اهداف متعالی انسان است. آنچه در خصوص نگاه ربوبی به جنس زن و مرد از مجموعه مقررات دین مبین اسلام در حوزه فقه و حقوق مستفاد می‌گردد، برخلاف برداشت فمینیستی از اسلام، نه تنها ترجیح جنس مرد بر زن نبوده، بلکه بیانگر عنایت خاص الهی به جنس مونث و حتی در برخی احکام، مؤید ترجیح عادلانه و منصفانه‌ی زنان بر مردان براساس اختلاف تکوینی و طبیعت متفاوت ایشان است و این «جانبداری»های گسترده نسبت به حقوق زنان، بسیار بالاتر از حق قانونی زنان و بسیار متعالی‌تر از اندیشه‌های زن‌گرایانه مادی و گرایش‌های فمینیستی دنیای کنونی می‌باشد. در مواردی نیز که «معافیت»هایی در مسئولیت برای زن قرار داده شده‌است، استنباط نقص زن و ظلم به وی، دیدگاهی نارواست؛ بلکه این، «حق» زن است که به صورت «امتیاز»، «آسان‌گیری» و «تخفیف»، نمود پیدا می‌کند که هدف این پژوهش، ارائه‌ی نمونه‌های عمده‌ای از این موارد است. هرچند برای تدوین مستندات مقاله از ابواب مختلف کتب فقهی و حقوقی بهره‌ی فراوان برده شده است اما تاکنون در خصوص صرف موضوع «حقوق ممتازه و امتیازات جامعه‌ی زنان نسبت به مردان» هیچ‌گونه تألیف یا مقاله‌ی علمی یافت نشده و لذا مقاله‌ی حاضر در موضوع خود، بدیع و منحصر به فرد می‌باشد؛ هرچند ادعای جامعیت نداشته و راه برای تحقیقات تفصیلی توسط علاقه‌مندان، باز است. از این جهت سؤال اصلی مقاله آن است که آیا اساساً در فقه و حقوق ایران، جامعه‌ی زنان دارای امتیازات و حقوق منحصر به فردی هستند؟ این امتیازات کدامند؟ و آیا تفاوت‌های حقوقی زن و مرد در موضوعات ارث و دیه بر مبنای جنس دوم بودن زن استوار است؟

روشن شدن سئوالات و ابهامات این موضوع، علاوه بر تصحیح دیدگاه برخی از زنان جامعه و آگاهی نسبت به اینکه نگاه «حقوق اسلامی» به ایشان، ویژه و در بعضی موارد جانبدارانه است، در این قشر تأثیرگذار جامعه، ایجاد امید، انگیزه و اعتماد به نفس مضاعف می‌نماید، و نیز کمک بزرگی در عرصه‌های مختلف قانونگذاری، قضایی و اجرایی در لحاظ نمودن تفاوت‌های طبیعی و تکوینی زن و مرد و در نظر گرفتن عنصر تسهیل و تخفیف مسئولیت‌ها و تکالیف نسبت به زنان جامعه دارد. چه بسا ستم‌هایی که در نتیجه‌ی رویکرد تشابه، به بسیاری از زنان سایر جوامع رفته و ایشان را مجبور به پذیرش مسئولیت‌هایی سنگین و مشاغل مردانه‌ای کرده و جان و روان ایشان را دستخوش مرارت نموده است.

اهداف پژوهش

- هدف اصلی این پژوهش نقد دیدگاه نقص زن و ظلم به وی در اسلام و حقوق ایران است؛ به عبارتی استنباط این امر است که در فقه و حقوق ایران، جامعه‌ی زنان دارای امتیازات و حقوق منحصر بفردی هستند که این حقوق به صورت «امتیاز»، «آسان‌گیری» و «تخفیف»، نمود پیدا کرده است.
- دیگر هدف این تحقیق شناخت تفاوت‌های حقوقی زن و مرد در موضوعات ارث و دیه در فقه و حقوق ایران است.

روش‌شناسی پژوهش

در این مقاله، از روش توصیفی و تحلیلی استفاده گردیده است. بدین صورت که به کمک مطالعات اسنادی ابتدا به گردآوری اشتراکات زن و مرد در حقوق اسلام پرداخته شده، سپس مطالبی در راستای نقد و تحلیل ایرادات مخالفان عدالت جنسیتی در اسلام و فلسفه احکام نامتشابه تدوین گردیده است. در پایان نیز به بیان احکامی که نشانه‌ای روشن از حمایت‌ها و عنایات خاص پروردگار عالم نسبت به جنس زن در دین اسلام و بالتبع حقوق ایران می‌باشد، پرداخته شده است.

برابری زن و مرد در فقه اسلام و حقوق ایران

با نگرشی به مجموعه فقه اسلامی و کتب معروف فقهی شیعه از جمله خلاف و مبسوط شیخ طوسی، تذکره الفقها علامه حلی، لمعه دمشقیه شهید اول، مسالک الافهام شهید ثانی و شرایع الاسلام محقق حلی و جواهر الکلام شیخ محمدحسن نجفیدر می‌یابیم در قریب به اتفاق احکام الهی، هیچ‌گونه تفاوتی میان دستورات فقهی زن و مرد وجود ندارد که اشاره به عناوین احکام در این مجال نمی‌گنجد و نیز بسیاری از قوانین و مقررات حقوقی ایران خصوصاً در زمینه حقوق مدنی و حقوق

جزا برگرفته از تعالیم گران‌بار فقه‌اسلامی است که به برابری زن و مرد در اکثریت موارد به‌طور وضوح اشاره دارد که در نهایت اجمال به برابری زن و مرد در قوانین اساسی و عادی می‌پردازیم. اصل بیستم قانون اساسی مقرر می‌دارد همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

قانون‌گذار در امور ذیل به وضع مقرراتی یکسان در مورد زن و مرد پرداخته است:

- ۱- حجر (جنون، سفه)، ورشکستگی و عقل و رشد
- ۲- مالکیت، حق انتفاع، حق ارتفاق، اذن، اباحه در تصرفات
- ۳- معاملات و قراردادهای معین و غیر معین: بیع، اجاره، معاوضه، رهن، مضاربه، مزارعه، مساقات، جعاله، ضمان، حواله، وصیت عهدی و تملیکی، کفالت، وکالت، شفعه و بیمه و قراردادهای مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی و...
- ۴- مسئولیت‌های مدنی از نوع قراردادی و غیر قراردادی (ضمانات قهری): اتلاف و تسبیب و غصب و استیفا و...
- ۵- بسیاری از امور مربوط به ازدواج، فسخ نکاح، نسب و...
- ۶- در ادله اثبات دعوا از جمله: باب اقرار، قسم، سند، سوگند و امارات قانونی
- ۷- در جرائمی نظیر حدود، تعزیرات تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد. هرچند در قصاص و دیات تفاوت‌هایی ملحوظ است که در ادامه مقاله به آن پرداخته می‌شود.

ارائه دلائل مخالفان عدالت جنسیتی در اسلام و حقوق ایران و نقد آن

باید به این نکته مهم توجه داشت که در اسلام، زن و مرد با هم «مساوی» و «برابر»ند اما دارای حقوقی «همانند» و عیناً «شبییه به هم» نیستند، بلکه به تناسب اختلاف در طبیعت و تکوین، در مقام تشریح و قانون‌گذاری نیز با تفاوت‌هایی هرچند اندک روبه‌رو هستند؛ چنانچه شهید مطهری می‌نویسد: «البته برابری حقوق زن و مرد از نظر ارزش‌های مادی و معنوی یک چیز است، همانندی و همشکلی و همسانی چیز دیگر. اسلام با تساوی و برابری حقوق زن و مرد مخالف نیست؛ بلکه با تشابه و یکنواختی حقوق آنها مخالف است. در نهضت فیمینیسم عمداً یا سهواً «تساوی» به جای «تشابه» به کار رفته و «برابری» با «همانندی» یکی شمرده شده و انسان بودن زن موجب فراموشی «زن بودن» وی گردیده است.» (Motahari, 2000).

مهم‌ترین تفاوت‌هایی در احکام زن و مرد که دستاویز نقد و هجمه مخالفان عدالت جنسیتی اسلام است، از این قرار است: ارث، دیه، حق طلاق، قضاوت، شهادت، ولایت پدر بر دختر در ازدواج

۱- /ارث

فمنیست‌ها، نصف بودن ارث زن نسبت به مرد را معیاری برای کمتر بودن ارزش زن نسبت به مرد در اسلام معرفی نموده و این مقرر را خلاف «کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» مصوب ۱۹۷۹ میلادی معرفی می‌کنند که در مقام پاسخ‌گویی به‌طور خلاصه می‌توان به چند نکته اشاره نمود:

نکته ۱: داشتن مال و ثروت نشانه کمال نیست تا بهره‌مندی کمتر از آن، مایه نقص و بی‌ارزشی زن باشد؛ چنانچه حضرت علی (ع)، نشانه کمال نبودن ثروت را این دانسته است که هیچ یک از انبیاء از مال دنیا بهره‌ای نداشته‌اند، زیرا در غیر این صورت خداوند، قطعاً این کمال را از انبیاء خود دریغ نمی‌داشت. (Javadiamoli, 2011)

نکته ۲: کمبود برخی از موارد سهام ارث زن می‌تواند به سبب:

الف- تحمیل هزینه زندگی او بر شوهر در قالب نفقه و (ب)- تحمیل هزینه مهر بر شوهر باشد. توضیح اینکه در فقه اسلام و حقوق ایران، زن در نظام خانواده هیچ مسئولیت مالی ندارد و حتی از مسئولیت پرداخت خونبها در جنایات غیرعمدی که برعهده خویشان جانی گذاشته شده است، نیز معاف است و از سوی دیگر برای رسیدن به استقلال مالی هیچ منعی برای زنان لحاظ نشده است لذا برخی معتقدند نصف بودن میزان سهام‌الارث او به‌خاطر تاثیر کمتر او در اداره اقتصادی اجتماع است. (Qorbannia, 2005)

نکته ۳: برای کسانی که به باب "ارث و موارث" در فقه و حقوق اسلام مسلط هستند این امر روشنی است که مصادیقی از ارث، که مرد در آن دو برابر زن ارث می‌برد، نسبت به سایر فروضات و مصادیقی از ارث، که جنس زن در آن برابر با مرد و حتی بیشتر از مرد ارث می‌برد، اگر کمتر نباشد، بیشتر هم نیست. در اینجا به برخی از فروضاتی اشاره می‌کنیم که جنس زن در آن برابر با مرد و حتی بیشتر از مرد ارث می‌برد.

برخی از مواردی که ارث زن، مساوی با مرد است:

الف- پدر و مادر میت: اگر میت فرزند داشته باشد، هریک از پدر و مادر، مساوی و به مقدار (یک ششم) سهم می‌برند.

ب- بهره‌برادر و خواهر متوفی که متولد از یک مادر بوده و در پدر متعدد باشند (کلاله امی)، سهم هر زن برابر سهم مرد است.

۱- ماده (۱) از نظر این کنوانسیون، عبارت «تبعیض علیه زنان»، به معنی قائل شدن هرگونه تمایز، استثنا یا محدودیت براساس جنسیت است که بر به رسمیت شناختن حقوق بشر زنان و آزادی‌های اساسی آنها و بهره‌مندی و اعمال آن حقوق، برپایه مساوات با مردان، صرف‌نظر از وضعیت تأهل آنها، در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه‌ها اثر مخرب دارد یا اصولاً هدفش از بین بردن این وضعیت است.

برخی از مواردی که ارث زن بیشتر از مرد است:

الف- اگر میت غیر از پدر و دختر وارث دیگری نداشته باشد، دختر بیش از پدر ارث می‌برد. سهم پدر یک ششم و سهم یک دختر، یک دوم و بیش از یک دختر، دو سوم می‌باشد.
 (ب)- اگر نوه پسر متوفی، دختر و نوه دختری وی، پسر باشد، آن دختر دو برابر این پسر سهم می‌برد. (Horeameli, 1985)

نکته ۴: اصلاح اخیر برخی از مواد قانون مدنی که زن را از ارث بردن از زمین (عرصه) محروم می‌کرد، گامی بلند در ایجاد تشابه هرچه بیشتر میان مقررات ارث زن و مرد محسوب می‌گردد.^۱
 ۲ - دیه

اگرچه از منظر فمینیست‌ها چنین توجیه می‌شود که دیه شخص، ارزش مادی مقتول و خون‌بهای اوست (Taha cultural institute, 2000)، اما نمی‌توان این توجیه را ملاک شرعی دیه به حساب آورد تا بنا به گفته برخی بتوان تایید کرد که ارزش مادی زن نیمی از ارزش مادی مرد است.

نکته ۱: اساساً موضوع دیه نیز مانند ارث، ارتباطی به بعد اساسی وجود انسانی و روح الهی او ندارد تا در مسائل انسان‌شناسی و عظمت روحانی زن و مرد، معیار و ملاکی برای ارزیابی باشد. (Javadiamoli, 2011)
 نکته ۲: اشاره به تعادل کفه ترازوی حقوق و تکالیف چنانچه در مبحث ارث بیان شد در قالب حدیث ذیل:

شخصی از امام حسن عسکری (ع) می‌پرسد: «چرا زن بیچاره ضعیف، باید یک سهم داشته باشد و مرد توانا دو برابر بگیرد؟» حضرت فرمودند: «چون هزینه سنگین حضور در جبهه‌های جهاد و نفقه خانواده و توان مالی اقوام دیه عاقله - فقط به‌عهده مردان است.» (Koleyni, 1986)

نکته ۳: بهتر است از این زاویه به قضیه نگریسته شود که دو برابر بودن دیه مرد عموماً به نفع چه کسی تمام می‌شود. واقعیت آن است که "زن" و سایر وراث متوفی هستند که از این خون‌بهای کامل بهره می‌برند و عموماً این مرد (شوهر) است که از خون‌بهای نصف همسر مقتوله خود به‌رمند می‌گردد، پس در مسئله دیه هم اگر متضرری هم متصور باشد، جنس مذکر است.

نکته ۴: مقررات جدید دیه زن در بیمه شخص ثالث اراده قانون‌گذار در جهت تشابه بیشتر مقررات زن و مرد تلقی می‌گردد.

۱ - ماده ۹۴۶ قانون مدنی: «زوج از تمام اموال زوجه ارث می‌برد و زوجه در صورت فرزنددار بودن زوج، یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از قیمت اموال غیر منقول، اعم از عرصه و اعیان ارث می‌برد. در صورتیکه زوج هیچ فرزندی نداشته باشد سهم زوجه یک چهارم از کلیه اموال به ترتیب فوق می‌باشد» و ماده ۹۴۸ قانون مدنی: «هرگاه ورثه از ادای قیمت امتناع کنند، زن می‌تواند حق خود را از عین اموال استیفاء نماید.»

۳- حق طلاق

در حقوق اسلام مسئولیت تمام نمودن پیوند مقدس ازدواج و اجرای منفورترین حلال الهی اصولاً به عهده مرد نهاده شده است و اوست که هر وقت اراده کند، می‌تواند زن را طلاق دهد؛ اما برخلاف اظهار برخی افراد، (Taha cultural institute, 2000) این امر در انحصار تام مرد و سبب برتری او بر زن نمی‌باشد.

نکته ۱: حقوق اسلام راه‌کارهایی را برای اجرای امر طلاق به‌وسیله زن نیز پیش‌بینی نموده است؛ از جمله:

الف) گرفتن وکالت در طلاق از مرد

ب) اثبات وقوع زن در عسر و حرج نزد قاضی

ج) اعطای مالی به زوج در قالب طلاق خلع^۲

نکته ۲: ماده ۴۰ قانون حمایت از حقوق و مسئولیت‌های زنان در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی (مصوب ۱۳۸۵/۱۱/۱۵) حق جدایی از همسر را در صورت عدم امکان سازش پس از مراجعه به دادگاه و ارائه دلایل موجه و رعایت قوانین طلاق به رسمیت شناخته است. (طلاق مبارات)

نکته ۳: بر شوهر واجب است که بعد از طلاق رجعی و در ایام عده که حدوداً سه ماه است، نفقه زن را بپردازد و بر زن حرام است که در این ایام از منزلی که در آن طلاق داده شده بیرون برود و بر مرد حرام است که زن را از خانه بیرون کند مگر آنکه زن مرتکب گناهی شود که موجب حد گردد و یا آنکه اهل منزل را آزار دهد (First Shahid, 1998)

فلسفه این امر در قرآن این است که خداوند می‌فرماید: شما نمی‌دانید شاید بعد از اینکه [مطلقه مدتی در خانه شوهر به سر برد] خداوند خیری دیگر پدید آورد که از طلاق پشیمانی حاصل شود و زندگی به حالت نخست بازگردد. (طلاق/۱) به نظر می‌رسد حکم الزام مرد به پرداخت مقرری زن تحت عنوان نفقه بعد از طلاق به مدت سه ماه و تحذیر مرد از طرد زن از محل سکونت مشترک، حکمی حمایتی در جهت منافع زن می‌باشد که توسط شارع حکیم در نظر گرفته شده است.

^۱ - در تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسوولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث مصوب ۱۳۸۷/۰۲/۳۱ مجلس شورای اسلامی آمده است: « بیمه‌گر موظف است در ایفاء تعهدات مندرج در این قانون خسارت وارده به زیان‌دیدگان را "بدون لحاظ جنسیت" و مذهب تا سقف تعهدات بیمه‌نامه پرداخت نماید...»

^۲ - ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی: طلاق خلع آن است که زن به واسطه کراهتی که از شوهر دارد، در مقابل مالی که به شوهر می‌دهد، طلاق بگیرد، اعم از اینکه مال مزبور عین مهر یا معادل آن و یا بیشتر و یا کمتر از مهر باشد.

نکته ۴: ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی به زن این اختیار را داده است که اگر مرد خود را واجد صفاتی معرفی کند که پس از عقد، فقدان آن مشخص شود، بتواند با لحاظ شرایطی، عقد نکاح را فسخ نماید و نیز با توجه به ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی ایران، زن، با احراز برخی از عیوب در همسر خود از جمله ناتوانی جنسی (عنن)، دارای خیار عیب بوده و حق فسخ عقد ازدواج را به صورت یک طرفه خواهد داشت و در بسیاری از موارد نیز از مهریه کامل نیز برخوردار خواهد شد.

نکته ۵: براساس حکم مندرج در ماده ۱۱۲۴ قانون مدنی که می‌توان آن را از موارد تبعیض مثبت به نفع زنان دانست این است که عیوب زن تنها در صورتی برای مرد حق فسخ ایجاد می‌کند که در حال عقد وجود داشته باشد درحالی‌که براساس ماده ۱۱۲۵ قانون مذکور، مرد حتی اگر بعد از عقد ازدواج، مبتلا به عنن یا جنون گردد، زن، حق فسخ نکاح را خواهد داشت.

۴- قضاوت

پذیرفتن مسئولیت دشوار قضا اصولاً بر مرد واجب است که گاهی واجب عینی و گاه واجب کفایی است؛ اما در خصوص پذیرش قضاوت از جانب زنان در میان فقها اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی شرط مرد بودن (ذکوریت) را در شغل قضا لازم دانسته‌اند. (First shahid, 1997) این امر، برخی را به قضاوت اشتباه در خصوص برتری مردان بر زنان در اسلام واداشته است.

نکته ۱: آن دسته از فقهای که به منع زنان از قضاوت حکم داده به اجماع منقول استناد جستند؛ در حالی‌که اجماع منقول، حجیت ندارد و نیز به وصیت نبی اکرم (ص) به حضرت علی (ع) اشاره نموده‌اند که می‌فرماید: «یا علی! بر زن، نماز جمعه، ... و قضاوت الزامی نیست.» (Koleyni, 1986)

نکته اساسی حدیث مزبور، این است که احکام مندرج در آن، مستحب یا مکروه است و هرگز حرام یا واجب نیست که حکم لزومی‌اند و حدیث مزبور تنها تکلیف شاق و صعب قضاوت را از زن برداشته است نه آنکه زن را از قضاوت محروم کرده باشد و میان "سلب تکلیف" برای ایجاد سهولت در امور اجتماعیه‌ی زنان و "سلب حق" از ایشان، فرق عمیقی است.

نکته ۲: برخی از علمای معاصر شیعی در یک نتیجه‌گیری منطقی در خصوص قضاوت زنان برآنند که قضاوت زنانی که همه شرایط قضا از جمله عدالت و اجتهاد را دارا هستند در پرونده‌هایی که مخصوص زنان یا مشترک بین زنان و مردان و حتی مخصوص مردان بوده ولیکن مستلزم هیچ محذور اجتماعی و مفسده اخلاقی از قبیل تماس نامحرمانه با نامحرم نباشد، هیچ‌گونه ایرادی بر آن مترتب نیست. فتوای مذکور با نظر علمای بزرگی چون مقدس اردبیلی، همهانگ می‌باشد. (Javadiamoli, 2011)

۵- شهادت

۱ - «یا علی! لیس علی المرأة جمعه و ...ولا تولی القضاء»

شهادت (گواهی) یکی از احکام الهی است. در برخی موارد، شهادت دو زن برابر یک مرد می باشد که این مفهوم باعث انتقاد برخی معتقدان به فمینیسم به احکام اسلام گردیده است. Taha (cultural institute, 2000) در ارتباط با شهادت زنان در امور جزائی، برای مثال می توان به آیه ۲۸۲ سوره بقره در خصوص برخی امور حقوقی، از قبیل گرفتن شاهد بر تنظیم اسناد در بدهی های مدت دار، اشاره کرد که می فرماید: «دو نفر از مردان خود را به گواهی بگیرید و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن از میان کسانی گواه کنید که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، (این دو زن به همراه یکدیگر باید به جای مرد دیگر برای شاهد قرار گرفتن دعوت شوند) تا اگر یکی از آن دو فراموش (یا اشتباه) کند، دیگری به یادش آورد» (بقره/ ۲۸۲) و نیز حدیثی از حضرت علی (ع) که مقرر می دارد: «شهادت زنان در حدود و قصاص جایز نیست» (Horameli, 1989).

این گونه آیات و روایات، منبعی برای استنباط احکام فقهی بوده و در کلام فقها انعکاس یافته است؛ چنانچه صاحب جواهر در بحث از اقسام حقوق می گوید: «حق بر دو نوع است: حق الله و حق الناس. حق الله تنها با شهادت چهار مرد ثابت می شود، همچون زنا، لواط و سق و در اینکه این جرایم با شهادت چهار مرد ثابت می گردد، خلافی نیست.» فقیه مزبور در توجیه اختلاف راه های اثبات حدود می افزاید: «وجه در اختلاف این است که این امر، تعبد محض است، بلکه این اختلاف را می توان از دلایل بطلان قیاس در احکام دانست چه آنکه مسلماً قتل [حق الناس] بزرگتر از زنا [حق الله] است. گاهی گفته می شود حکمت آن مطلوبیت ستر و پنهان بودن جرم تا حد امکان و مراقبت بر عدم هتک حرمت است» (Najafi, 1984).

نکته ۱: در حقوق الله عنایت چندانی به اثبات جرم نیست، بلکه توبه مجرم و اصلاح وی حائز اهمیت است. در صورت اثبات جرم، حدود الهی تعطیل نمی گردد ولی در حد امکان، مستور ماندن جرایم و حفظ حرمت متهمان از مطلوبیت بیشتری برخوردار است. بنابراین اگر در برخی از حقوق الله، شهادت زن پذیرفته نمی شود احتمالاً بدین جهت است که از هر طریقی جرم ثابت نگردد و از این روست که راه های اثبات آن تضییق شده و محدودیت روا داشته می شود. حتی اگر تردید باشد که آیا جرمی با شهادت زن به اثبات می رسد یا نه، باید با استناد به "قاعده درء" بوسیله شبهات و اصل برائت، حکم به عدم اثبات نمود.

نکته ۲: افزون بر اینها، به موجب مقررات فقه، قاضی می تواند به علم خویش عمل نماید و بدیهی است که شهادت زن عادل می تواند از جمله راه های تحصیل علم محسوب گردد. بنابراین قاضی می تواند به قول یک زن، اعتماد و حکم صادر نماید ولی نه از باب شهادت بلکه از باب علم قاضی.

نکته ۳: فقها در بسیاری موارد، گواهی بانوان را پذیرفته اند. یک مورد، قتل غیر عمد است که شهادت زنان می تواند در اثبات آن مؤثر باشد. بند ب ماده ۲۳۷ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد:

«قتل شبه عمد یا خطا با شهادت دو مرد عادل یا یک مرد عادل و دو زن عادل یا یک مرد عادل و قسم مدعی ثابت می‌شود» و نیز در مورد زنا که طبق ماده ۷۴ قانون مجازات اسلامی، زنا چه موجب حد جلد باشد و چه موجب رجم، با شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل و دو زن عادل ثابت می‌شود. طبق ماده ۷۵ قانون مذکور، در صورتی که زنا فقط موجب حد جلد باشد، به شهادت دو مرد عادل همراه با چهار زن عادل نیز ثابت می‌شود.

نکته ۴: در کلیه مکاتب فقهی در اموری که اطلاع مردان بر آنها غالباً مشکل است و مردان نمی‌توانند بر آن شاهد و ناظر باشند و یا به‌طور کلی ارتباط بیشتری با زنان دارد، گواهی بانوان بدون نیاز به انضمام با مردان، پذیرفته شده است. از قبیل ولادت نوزاد، عیوب زنان، حیض، رضاع و....

نکته ۵: علاوه بر همه نکات فوق، توجه به این نکته ضروری است که ادای شهادت، امتیاز و حق محسوب نمی‌شود، بلکه تکلیفی است واجب که آیات و روایات بر آن دلالت دارد. خداوند بزرگ می‌فرماید: «و من یکتماها فانه اثمٌ قلبه» «هر آنکس که کتمان شهادت کند قطعاً گنهگار است» (بقره/ ۲۸۲) بنابراین این عدم پذیرش شهادت زنان در چند مورد خاص، در حقیقت محروم‌سازی آنان از حقوق نیست، بلکه در واقع تکلیفی از عهده آنان برداشته شده است.

۶ - ولایت پدر بر دختر در ازدواج

پسرانی که به سن بلوغ رسیده و واجد عقل و رشد باشند، خود اختیاردار خود هستند و پدر، ولایتی در ازدواج بر ایشان ندارد. دختری نیز که یک بار شوهر کرده و اکنون بیوه است قطعاً از لحاظ عدم حق ولایت دیگری، مانند پسر است. اما دختر بالغ باکره، تحت ولایت پدر است.

نکته ۱: در باب دوشیزگان، باید توجه داشت که پدر اختیاردار «مطلق» او نیست و نمی‌تواند بدون میل و رضای او، او را به هر کس که دلش می‌خواهد شوهر بدهد، چنانچه پدری بدون هیچ‌گونه دلیل منطقی، از موافقت با ازدواج دختران خود امتناع کند، حق او ساقط می‌شود و دختران در این صورت در انتخاب شوهر آزادی مطلق دارند^۱.

نکته ۲: فلسفه ولایت پدر این نیست که دختر از لحاظ رشد اجتماعی کمتر از مرد محسوب می‌شود؛ بلکه به گوشه‌ای از روان‌شناسی زن و مرد و خوش‌باوری زن نسبت به وفا و صداقت مرد مربوط است. لذا شرع برای جلوگیری از هرگونه ضرر و زیان احتمالی، مشورت و کسب موافقت پدر را ضروری دانسته است.

۱ - ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی: «نکاح دختر باکره، اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد، موقوف به اجازه پدر و جد پدری اوست و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه، از دادن اجازه مضایقه کند، اجازه او ساقط و در این صورت، دختر می‌تواند با معرفی کامل مردی که می‌خواهد با او ازدواج نماید و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده، پس از اخذ اجازه از دادگاه مدنی خاص، به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام نماید.»

امتیازات زن بر مرد در از منظر اسلام، فقه و حقوق

پس از ظهور اسلام، مبارزه با بسیاری از عقاید باطل و خرافی علیه زن آغاز گشته و به حمایت جدی از حقوق زنان پرداخته شد. از این رو اسلام، منشاء بزرگ‌ترین خدمت‌ها به جنس زن گردیده است. حال به نمونه‌هایی از این امتیازات در آیات و روایات، فقه و حقوق اشاره می‌شود:

۱- آیات دال بر امتیازات زنان بر مردان

۱- و انسان را نسبت به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم. مادرش با تحمل رنج، به او باردار شد و با رنج او را به دنیا آورد و بار برداشتن و از شیرگرفتنش، سی ماه است. (احقاف/۱۵)
قرآن کریم ضمن سفارش به گرمی داشتن پدر و مادر، توجه انسان‌ها را به زحمات مادر به طور ویژه در دوره حاملگی، زایمان و شیردهی معطوف می‌دارد.

۲- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر شما حلال نیست زن‌های شوهر مرده را به اکراه (همانند اموال شوهرانشان طبق سنت جاهلیت) به میراث برید، و حلال نیست زانی را که شما وارث آنها هستید از ازدواج مانع شوید تا بمیرند و ارثشان را شما ببرید و (نیز) آنها را (که همسر شمایند) در تنگنا قرار مدهید تا پاره‌ای از آنچه به آنها (به عنوان مهر) داده‌اید (از دستشان بیرون) ببرید مگر آنکه کار زشت آشکاری (مانند نشوز و زنا) مرتکب گردند (که در این صورت می‌توانید با تزییقات حلال، چیزی بگیرید) و در زندگانی با آنها به انصاف رفتار نمایید و چنانچه دل‌پسند شما نباشند (اظهار کراهت مکنید) چه بسا چیزهایی ناپسند شماست و حال آنکه خدا در آن خیر بسیار مقدر فرماید. (نساء/۴)

خداوند مهربان در قرآن نفمود «عاشروهن بالحق» و یا «عاشروهن بالعدل» بلکه می‌فرماید: «عاشروهن بالمعروف» یعنی با زنان، با معیار نیک، رفتار کنید. «معروف» نه تنها شامل «حق قانونی و عادلانه» می‌گردد بلکه «رعایت‌ها و ملاحظات ارزشی، اخلاقی و انسانی» را نیز دربرمی‌گیرد و اگر کسانی با زنان، تنها با معیار حق و عدل رفتار کنند به این دستور قرآنی عمل نکردند، زیرا «معروف» بیش از «حق» است. (Rezaie, 2000)

۳- قرآن کریم در مقام بیان ملکه عفاف هم از مرد تمثیل می‌آورد و هم از زن، حال باید دید که آیا مرد در این صحنه، عقیفانه‌تر تجلی نموده، یا زن در این مقام، بیان عقیفانه‌تر آورده است؟ یوسف صدیق (ع) و حضرت مریم (س) مزایای ارزشی فراوانی داشتند که قرآن آنها را نقل می‌کند. اما آنچه در این مبحث مورد توجه است، وجود ملکه عفاف در آنها است. نکته ظریفی که در تفسیر آیات مربوطه جلوه‌گر می‌شود، تفاوت عکس‌العمل هریک از این دو معصوم در مقام امتحان و ابتلا است که به صورت امتیازی بر جنس مونث خود را می‌نمایاند.

هنگامی که وجود مبارک یوسف (ع) مورد آزمایش واقع می‌شود، تعبیر قرآن بدین‌گونه است: «آن زن قصد او کرد و او نیز اگر برهان پروردگار را ندیده بود، آهنگ او می‌کرد^۱» یعنی سخن در مقام فعل نیست، در مرحله مقدمات هم نیست، بلکه در نشئه اهتمام است و این مرحله سوم است. یوسف صدیق (ع) نه تنها مرتکب حرام نشد و نه تنها مقدمات حرام را آماده نکرد، بلکه قصد و همت و خیال هم در میان نبود و ذات اقدس اله نیز به نزاهت و قداست یوسف (ع) شهادت داد و فرمود: نه تنها یوسف به طرف بدی نرفت، بلکه بدی نیز به طرف یوسف نرفت، در آن جا که فرمود: «کذلک لنصرف عنه السوء والفحشاء»؛ این‌گونه بدی و پلیدی را از او برگردانیم (یوسف/۲۴)

اما در قرآن آن‌گاه که از عفاف مریم (س) سخن به میان می‌آید، سخن از «همت به و هم بها لولا ان رای برهان ربه» نیست. سخن این نیست که اگر مریم، دلیل الهی را مشاهده نمی‌کرد، مایل بود. بلکه سخن آن است که: «قالت انی اعوذ بالرحمن منک ان کنت تقیا»؛ مریم گفت: «اگر پرهیزکاری، از تو به خدای رحمان پناه می‌برم.» (مریم/۱۸) نه تنها خودش میل ندارد، آن فرشته را هم که به صورت بشر متمثل شده، نهی از منکر می‌کند و می‌گوید: «اگر تو با تقوایی، دست به این کار نزن.» مثل این که ذات اقدس اله به ما می‌فرماید: «این کار را انجام ندهید، ان کنتم مؤمنین.» آیا این تعبیر لطیف‌تر از تعبیر یوسف نیست؟! از این مطلب روشن شد که زنان در مقام کنترل شهوت و غضب (عفاف) عهده‌دار ممتازترین نقش برای حفظ ادیان ابراهیمی بوده‌اند. (Javadiamoli, 2011)

۲- روایات دال بر امتیاز زنان بر مردان

۱- امام زین‌العابدین فرمودند: «مردی خدمت پیامبر خدا (ص) آمد و به ایشان عرض کرد: هیچ کار زشتی نیست که نکرده باشم. آیا راه توبه و بازگشت برایم وجود دارد؟ حضرت فرمود: آیا از پدر و مادرت کسی زنده هست؟ عرض کرد: پدرم. فرمود: برو و به او نیکی کن. وقتی آن مرد رفت، رسول خدا (ص) فرمود: کاش مادرش زنده می‌بود» (Mohades nori, 1987)

۲- از امام رضا (ع) منقول است: «و بدان که حق مادر، لازم‌ترین و واجب‌ترین حقوق است» (Mohades nori, 1987)

۳- پیامبر (ص): «بهشت زیر پای مادران است.» (Mohades nori, 1987)

۴- پیامبر (ص) فرمودند: «زیر قدم‌های مادران، باغی از باغ‌های بهشت است.» (Mohades nori, 1987)

^۱ - «همت به و هم بها لولا ان رای برهان ربه» (یوسف/۲۴)

^۲ - «وَ اعْلَمُ أَنَّ حَقَّ الْأُمِّ الْأَزْمَ الْحَقُّوقِ وَ أُوجِبُهُ»

^۳ - «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ»

۵- پیامبر(ص) فرمودند: «اگر مشغول خواندن نماز مستحبی هستی و پدرت تو را صدا بزند؛ حق نداری نمازت را قطع کنی؛ اما اگر مادرت تو را صدا زند؛ موظفی نماز مستحبی را شکسته و او را اجابت کنی.» (Mohades nori, 1987)

۶- امام باقر(ع) فرمودند: «قَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ ع يَا رَبِّ أَوْصِنِي قَالَ أَوْصِيكَ بِي قَالَ فَقَالَ رَبِّ أَوْصِنِي قَالَ أَوْصِيكَ بِي ثَلَاثًا قَالَ يَا رَبِّ أَوْصِنِي قَالَ أَوْصِيكَ بِأَمِّكَ قَالَ رَبِّ أَوْصِنِي قَالَ أَوْصِيكَ بِأَمِّكَ قَالَ رَبِّ أَوْصِنِي قَالَ أَوْصِيكَ بِأَبِيكَ قَالَ فَكَانَ يُقَالُ لِأَجْلِ ذَلِكَ أَنَّ لِلْأُمَّ ثَلَاثِي الْبِرِّ وَ لِلْأَبِ الثُّلُثُ» (Mohades nori, 1987)

در این حدیث خداوند، ابتدا دو مرتبه حضرت موسی(ع) را سفارش به خودش می‌کند برای بار سوم خداوند، دو مرتبه پیامبرش را سفارش به مادر می‌کند آن گاه یک مرتبه او را سفارش به پدر می‌کند.

۷- امام زین‌العابدین(ع) فرمودند: «اما حق مادر بر تو آن است که بدانی او تو را نه ماه حمل کرده است؛ طوری که هیچ‌کس حاضر نیست این چنین، دیگری را حمل کند و به تو شیره جاننش را خورانده است؛ قسمی که هیچ‌کس دیگر حاضر نیست این کار را انجام دهد و با تمام وجود؛ با گوشش؛ چشمش؛ دستش؛ پایش؛ مویش؛ پوست بدنش و جمیع اعضا و جوارحش تو را حمایت و مواظبت نموده است و این کار را از روی شوق و عشق انجام داده و رنج و درد و غم و گرفتاری دوران بارداری را به‌خاطر تو تحمل نموده است...» (Bahrani, 1992)

۸- «شخصی به رسول خدا(ص) عرض کرد: مادری بسیار پیر دارم، که هم‌اکنون نزد من است، هرکجا می‌روم او را بر دوش خود حمل می‌کنم، خرجی‌اش را می‌دهم، هرگونه آزاری که به او می‌رسد از او دور می‌کنم، آیا حق مادرم را بجا آورده‌ام؟ حضرت رسول(ص) فرمودند: نه، زیرا که مادرت نیز تو را حمل کرد و نیز از شیره جاننش به تو خوراند. هر چه در دوران پیری در حق مادر انجام داده‌ای، مادر نیز در دوران کودکی آن را برای تو انجام داده است. مادرت در تمامی مراحل، کارهایی که برای تو می‌کرد آرزوی زنده ماندنت را می‌کرد، در حالی که تو آن کارها را می‌کنی و آرزوی مرگ مادر پیرت را داری»

۹- «ای رسول خدا! حق پدر چیست؟ حضرت فرمودند: مادامی که زنده است او را اطاعت کنی و مطیع او باشی. بعد عرض کرد: حق مادر چیست؟ فرمودند: اگر انسان به اندازه‌ی ریگ‌های بیابان و قطرات باران و ایام روزگاران، در مقابل مادر بایستد و او را اطاعت کند، به اندازه یک روز دوران حمل، حق او را ادا نکرده است» (Mohades nori, 1987)

۱۰- به امام زین‌العابدین(ع) گفته شد: «شما با اینکه از نیکوکارترین مردم هستید، چگونه است که هرگز ندیده‌ایم با مادران بر سر یک سفره بنشینید؟ فرمودند: می‌ترسم بر سر یک سفره

دستم را به سمت چیزی دراز کنم که قبلاً چشم مادرم بر آن افتاده باشد و با این عمل موجبات نافرمانی او را فراهم کنم» (Mohades nori, 1987)

جالب توجه این است که صاحب مستدرک الوسائل، روایات فوق‌الذکر را در باب «استحباب الزیاده فی برّ الأمّ علی برّ الأب»، «بیشتر بودن ثواب محبت به مادر نسبت به پدر» تدوین نموده است.

۱۱- پیامبر(ص) فرمودند: «هرکس به بازار برود و ارمغانی بخرد و آن را برای همسرش حمل کند، ثواب حمل صدقه برای فقرا را می‌برد و باید ابتدا به زنان و دختران تقدیم دارد و سپس به پسران؛ پس هرکس دخترش را شاد کند مانند این است که برده‌ای از فرزندان اسماعیل را آزاد نموده است...» (Mohades nori, 1987)

۱۲- پیامبر(ص) فرمودند: «دعای مادر سریع‌تر اجابت می‌شود، عرض کردند: چرا یا رسول الله! حضرت فرمودند: چون مادر رحمت و مهربانی‌اش نسبت به فرزند از پدر بیشتر است، خداوند دعای انسان رحیم و مهربان را هرگز رد نمی‌کند» (Horeameli, 1985)

۱۳- امام صادق(ع) فرمودند: «از خدا درباره دو ضعیف یعنی یتیم و زنان، بترسید. (با آنها خوش رفتار و عادل باشید)» (Koleyni, 1986)

۱۴- امام کاظم(ع) فرمودند: «بی‌تردید خداوند آن‌قدر که به‌خاطر زنان و کودکان غضبناک می‌شود، به خاطر چیزی غضبناک نمی‌شود.» (Helli, 1986).

۱۵- امام رضا(ع) از حضرت رسول(ص) نقل می‌کنند: «خداوند متعال بر دختران مهربان‌تر است تا پسران و هیچ مردی نیست که زنی از محارم خود را خوشحال سازد، مگر اینکه خداوند متعال در روز قیامت او را شادمان گرداند.» (Horeameli, 1985)

۱۶- امام صادق(ع) می‌فرمایند: «پسران نعمت خداوند هستند ولی دختران، حسنات الهی می‌باشند. خداوند از نعمت سؤال می‌کند و به حسنات پاداش می‌دهد.» (Horeameli, 1985)

دو حدیث مذکور در کتاب وسائل‌الشیعه در بابی به نام «باب زیاده الرقة علی البنات و الشفقة علیهن أكثر من الصبيان» «باب دلسوزی و مهربانی بیشتر به دختران نسبت به پسران» آمده است.

۱۷- پیامبر(ص) فرمودند: «یا علی! خدمت کردن به خانواده، کفاره گناهان بزرگ است ... بر حسنات و نیکی‌ها می‌افزاید و درجات را بالا می‌برد. یا علی، خدمت نمی‌کند به همسر مگر صدیق، یا شهید یا مردی که خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او خواسته باشد.» (Mohades nori, 1987)

۱۸- پیامبر(ص) فرمودند: «زن، خانم و رئیسه خانه خویش است» (Abolghasem, 2003)

۱۹- پیامبر(ص) فرمودند: «جبرئیل آن چنان سفارش زن‌ها را به من کرد که گمان بردم مرد

نباید به زن خود اف‌هم بگوید.» (Mohades nori, 1987)

۲۰- پیامبر(ص) فرمودند: «هر چه ایمان انسان افزون تر باشد، به همسرش بیشتر محبت می‌کند» (Ebn baboieh, 1992)

با وجود احادیث فوق، هیچ شک و شبهه‌ای باقی نمی‌ماند که دین مبین اسلام، نه تنها پرچم‌دار حفظ حقوق مساوی زنان در مقابل مردان است بلکه مقرر کننده احکامی است که ایجادگر فضایی سرشار از احترام خاص به جنس زنان در سطح جامعه با توجه به رسالت ویژه ایشان می‌باشد.

۳- امتیازات زن بر مرد در فقه و حقوق

در علم فقه و حقوق مواردی احصاء گردیده است که صرفاً جزو حقوق یک‌جانبه زن و از امتیازات او محسوب می‌شود و زن، تکلیف متقابلی در آن موارد در برابر مرد ندارد. از امتیازات زن به موارد ذیل می‌توان اشاره نمود:

۱ - نفقه

قانون‌گذار، طبق ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی در عقد دائم، نفقه زن را به عهده شوهر واگذار نموده است و براساس ماده ۱۱۰۷ قانون مذکور: «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت داشتن زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضاء» و این امتیاز خاصی است که فقه و حقوق ایران منحصرأ برای زن قائل شده است.

۲ - مهریه

مهر یا صداق یا کابین، که مظهر تعهد شوهر برای تأمین زندگی زن می‌باشد مالی است که زن برائر ازدواج مالک آن می‌گردد و مرد ملزم به پرداخت آن به زن می‌شود. (First shahid, 1998)

نکته ۱: نهاد مهر که برگرفته از سنت و مذهب است در قوانین ایران نیز به عنوان تکلیف مرد و حق زن راه یافته است و زن به مجرد عقد نکاح، مالک همه مهریه می‌گردد.

نکته ۲: هرچند برای زن مستحب است که همه مهر خود را به شوهر ببخشد. (همان) اما در مواردی دیده می‌شود که مرد، همسر خود را آزار می‌دهد تا مهریه خود را حلال و جان خود را آزاد سازد، لذا خدا در قرآن به مردان مؤمن هشدار می‌دهد که: «یا ایها الذین آمنوا لایحل لکم آن ترثوا النساء کرها» (نساء/ ۴) و مردان مؤمن را منع می‌کند از اینکه چیزی را از زنان با زور مطالبه کنند و در ادامه می‌فرماید: «لاتعضلوهن لتذهبوا بعض ما آتیتموهن» آنان را تحت فشار قرار ندهید تا قسمتی از آنچه را که به آنها (بابت مهریه) داده‌اید، تملک کنید.

نکته ۳: شارع مقدس این امتیاز را صرفاً برای زن قایل شده است که از اجرای وظایف زناشویی خود تا زمانی که تمام یا بخشی از مهریه خود را دریافت نکرده است، امتناع ورزد. این حق تحت عنوان «حق حبس» معروف است. (First shahid, 1998)

۳ - جهیزیه

براساس ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی، تهیه جهیزیه (اثاث‌البیت)، از مصادیق نفقه به‌شمار آمده و برعهده مرد نهاده شده است. در فقه نیز فقها پس از برشمردن برخی اقلام از مصادیق نفقه، از جمله خوراک، پوشاک، مسکن و خدمتکار، هرگونه احتیاج و نیازمندی زن براساس عرف شهر محل سکونت وی را، جزء نفقه محسوبو تهیه آن از تکالیف غیر قابل اسقاط مرد دانسته‌اند. (First shahid, 1998)

۴ - اجرت‌المثل ایام زوجیت و اجرت رضاع

در حقوق اسلامی، فقها معتقدند: زن می‌تواند برای کارهایی که در منزل شوهر به امر او انجام می‌دهد، از او مطالبه حق‌الزحمه نماید. (Karimi, 1986) و این امر، درواقع احترام حقوقی به کار زن در خانواده است. برهمین اساس، تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱ به حق‌الزحمه مزبور اشاره کرده و دادگاه را مکلف کرده است که در صورت تقاضای طلاق از جانب شوهر و به شرط اینکه تقاضای مزبور ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوءاخلاق او نباشد، به درخواست زن مبنی بر مطالبه حق‌الزحمه کارهایی که شرعاً به‌عهده وی نبوده و به‌دستور زوج و با قصد عدم تبرع انجام داده، ترتیب اثر دهد و اجرت‌المثل این‌گونه کارها را محاسبه و به پرداخت آن علیه شوهر، حکم نماید. قابل توجه است که در سایر کشورها در این‌خصوص رویکرد متفاوتی وجود دارد چنانچه «در دعوای مربوط به ترکه Barent در ۳۱ ژانویه ۱۹۳۶، دادگاه تجدیدنظر آمریکا اظهارنظر می‌کند که زن (تجدیدنظرخواه) نمی‌تواند از بابت خدماتی که به شوهر خود کرده است دستمزد بگیرد، زیرا پاداش چنین خدماتی تأمین زندگی مشترک آسوده‌تری برای زوجین است.» (Katoziyan, 1990)

و از جمله کارهایی که زنان در خانواده انجام می‌دهند، «شیر دادن» به کودک است که از نظر برخی فقها سببی مستقل برای دریافت اجرت است. چنانچه علامه طباطبایی ذیل آیه ۶ سوره طلاق^۱ می‌فرماید: «چون اجرت رضاعت در حقیقت نفقه فرزند است، این نفقه به عهده‌ی پدر است.» (Tabatabae, 2000)

۵- نحله

یکی دیگر از حقوق اقتصادی زن، نحله است که براساس بند «ب» تبصره ۶ ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق، توسط قانون‌گذار مقرر شده است: «در غیر مورد بند «الف»^۲، با توجه به سنوات زندگی مشترک و نوع کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده و وسع مالی

^۱ - «فإن أرضعن لكم فأتوهن أجورهن»: «اگر فرزند شما را شیر می‌دهند، مزدشان را بدهید.»

^۲ - بند الف ماده واحده فوق‌الذکر مقرر می‌دارد: «چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به‌عهده‌ی وی نبوده، به‌دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت‌المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌نماید.»

زوج، دادگاه مبلغی را از باب بخشش (نحله) برای زوجه تعیین می‌کند.» برخی اساتید معتقدند مبنای مشروعیت نحله، مصلحتی است که قانون‌گذار رعایت آن را براساس عدالت، لازم دیده است. (Hekmatniya, 2011)

۶- متاع به معروف

از حقوق اخلاقی زن، دریافت متاعی است که پس از طلاق دریافت می‌کند. مبنای این امر، آیه ۲۴۱ آل عمران است که می‌فرماید: «و للمطلقات متاع بالمعروف حقاً علی المتقین»: «برای زنان مطلقه بهره‌ای است شایسته، چنان‌که در خور مردان پرهیزگار باشد.» ظاهر آیه، همه زنان را شامل می‌شود ولی به قرینه آیه ۲۳۶ سوره بقره این حکم در مورد زنانی است که برای آنها مهری به هنگام عقد قرار داده نشده است و پیش از آمیزش، طلاق داده می‌شوند. این احتمال نیز وجود دارد که حکم مزبور، همه زنان مطلقه را شامل شود؛ اما در مورد بالا واجب و در موارد دیگر مستحب است و به هر حال یکی از دستورات کاملاً انسانی است که در اسلام برای پیشگیری از انتقام‌جویی‌ها و کینه‌توزی‌های ناشی از طلاق اثر مثبتی دارد. (Hekmatniya, 2011)

۷- ممتازه بودن طلب نفقه و مهریه

دیون ممتازه عبارت است مطالبات بی‌وثیقه بستانکار که به حکم قانون در وصول طلب خود بر سایر طلبکاران، حق تقدم داشته باشد. به عبارت دیگر، بستانکار ممتاز، کسی است که نسبت به طلبکاران عادی دارای مزیت هستند و سهم آنها قبل از تقسیم اموال بین طلبکاران عادی باید پرداخت شود. ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «زوجه در هر حال می‌تواند برای نفقه زمان گذشته خود اقامه دعوی نماید و طلب او بابت نفقه مزبور طلب ممتازه بوده و در صورت افلاس یا ورشکستگی شوهر، زن مقدم بر غرما خواهد بود...» و طبق ماده ۲۲۶ قانون امورحسبی نیز زنان برای طلب مهریه خویش بر سایر غرما، رجحان و تقدم دارند. علت ممتازه شناختن طلب بابت نفقه و مهریه زنان، حمایت از زنان و تامین آتیه‌ی ایشان در صورت از دست دادن همسر است. (بند ۲ ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی)

۸- اولویت مادر در حضانت اطفال

در ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴ حضانت فرزند پسر تا ۲سالگی و دختر تا ۷سالگی به مادر سپرده شده بود و پس از انقضای این مدت، حضانت با پدر بود؛ اما با اصلاحیه مصوب سال ۱۳۸۲ که به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید، برای حضانت و نگهداری طفلی که پدر و مادر او از هم جدا شده‌اند، مادر تا ۷سالگی هم برای پسر و هم برای دختر اولویت دارد و در تبصره ذیل ماده نیز آمده است که پس از ۷سالگی هم در صورتی که میان پدر و مادر اختلاف باشد، حضانت طفل با رعایت مصلحت کودک و به تشخیص دادگاه است و چه بسا علی‌رغم عدم وجود

عیب و نقصی در پدر به تشخیص دادگاه مصلحت طفل اقتضا کند که حضانت او به‌عهده‌ی مادرش باشد.

۹ - امکان الزام مرد به داشتن فرزند

یکی از حقوق زن، حق داشتن فرزند است. برای تضمین این حق، مقرر شده است که مرد هنگام جماع بدون رضایت همسر خود نمی‌تواند عزل کند و جلوی حاملگی زن را بگیرد. چنانچه شهید اول می‌فرماید: «و لایجوز العزل عن الحره بغير شرط فیجب دیة النطفة لها عشرة دنانیر»؛ «ریختن منی در بیرون از فرج زنی که آزاد است، بدون اینکه در حین عقد آن را شرط کرده باشد، جایز نیست و اگر بدون شرط چنین کند باید ده دینار به عنوان دیه نطفه به زن بپردازد.» (First Shahid, 1998) این حق آثاری دارد. مثلاً چنانچه برای مرد امکان بچه‌دار شدن وجود نداشته باشد، در مواردی ممکن است به زندگی مشترک پایان داد و یا ممکن است الزام مرد را به اتخاذ روش‌های باروری علمی از دادگاه خواستار شد.

۱۰ - حمایت‌های دولت

بخش مهم دیگری از حقوق و امتیازات ویژه زن در خانواده، حمایت‌هایی است که وجه اقتصادی دارد و از سوی دولت انجام می‌شود. از جمله این امتیازات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تعهد دولت به ایجاد بیمه خاص بیوگان، زنان سالخورده و خودسرپرست^۱، حمایت خاص از زنان آسیب‌پذیر روستا^۲، بیمه زنان خانه‌دار^۳ و اولویت زنان سرپرست خانوار و خودسرپرست در بهره‌مندی از چتر ایمنی رفاه اجتماعی (آیین‌نامه چتر ایمنی رفاه اجتماعی مصوب ۱۳۸۴/۳/۲۲) طبق ماده ۷۶ قانون کار، مرخصی بارداری و زایمان کارگران در مجموع ۹۰ روز است و در صورتی که زایمان توأمان باشد، ۱۴ روز به مرخصی اضافه می‌شود. براساس تبصره ۲ همین ماده، حقوق ایام مرخصی زایمان طبق مقررات تأمین اجتماعی پرداخت می‌شود. و براساس ماده ۷۸ همین قانون، مادران شیرده تا پایان دوسالگی کودک پس از هر سه ساعت، نیم ساعت فرصت شیردادن به فرزند خود را دارند. این فرصت جز ساعات کار محسوب می‌شود و به آن، حقوق تعلق می‌گیرد. به موجب «آیین‌نامه مربوط به حمل بار درست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی»، حداکثر وزن مجاز برای حمل بار برای کارگران زن، حدود بیست کیلوگرم است. حق بهره‌مندی زنان ایرانی از حمایت دولت هنگام ازدواج با تبعه غیرایرانی در قالب آیین‌نامه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه مصوب ۱۳۴۵ نیز جالب توجه است. که از جمله مواردی که در حمایت ویژه از این‌گونه زنان احصا گردیده، اخذ تضمین مناسب در صورت صلاحدید از مرد برای حسن انجام

۱- قانون ساختار نظام جامع رفاه تأمین اجتماعی؛ مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱

۲- دستورالعمل اجرایی طرح حمایت خاص از زنان آسیب‌پذیر روستا، مصوب ۱۳۷۳/۳/۹

۳- تصویب‌نامه راجع به طرح بیمه زنان خانه‌دار، مصوبات جلسات ۱۳۸۵/۸/۱۰ و ۱۳۸۵/۸/۱۴ هیئت وزیران.

وظایف زناشویی، تعهدنامه مبنی بر پرداخت نفقه زن و اولاد و نیز داشتن گواهینامه مبنی بر عدم سوء پیشینه کیفری از مراجع رسمی و غیره است.

۱۱ - عدم تکلیف به شرکت در جنگ و جهاد

عدم تکلیف زنان به شرکت در جنگ و جهاد که در برخی از روایات بدان اشاره شده از امتیارات زنان در اسلام محسوب می‌شود.

نکته ۱: امام علی (ع) می‌فرمایند: «...بر زن، جهاد واجب نیست» و نیز از سیدین طاووس در لهوف نقل گردیده: «و دیدم حدیثی را که وهب مسیحی بود و مادرش به سمت میدان نبرد خارج شد، پس حسین (ع)، به او گفت: ای ام‌وهب برگرد، تو و پسر با رسول الله (ص) هستی؛ همانا جهاد از زنان برداشته شده است.» (Mohades nori, 1987)

نکته ۲: در باب جهاد آمده است: «کشتن زنان و کودکان و دیوانگان توسط مسلمانان - اگرچه به دشمن کمک کنند - جایز نیست.» (First shahid, 1998)

۱۲ - عدم تکلیف به اقامه نماز جمعه و جماعت

براساس برخی از احادیث، شرکت در نماز جمعه، نماز جماعت، تشییع جنازه مسلمین و... از تکالیف و وظایف مردان است و برخی این امر را دلیلی بر بی‌اهمیت بودن حضور زنان در صحنه‌های اجتماعی در اسلام تعبیر کرده‌اند که امری خلاف واقعیت است.

نکته ۱: در ضمن وصیت‌های پیامبر (ص) به علی (ع)... این بود که: «یا علی! نماز جمعه و جماعت و اذان و اقامه برای زنان واجب نیست.» (Koleyni, 1986) نیز حضرت علی (ع) ضمن سفارشات خود به فرزند بزرگوارشان امام حسن (ع) فرمودند: «کاری که بیشتر از توانایی زنان است به عهده ایشان قرار ندهید، زیرا زن گل بهاری (ریحانه) است، نه پهلوانی خشن.» (Koleyni, 1986)

۱۳ - عدم تکلیف به انجام وظایف خارج از منزل

سنت حضرت رسول (ص) این‌گونه بوده است که این امتیاز را برای زنان قائل بودند که از فعالیت‌ها و تکالیف خارج از منزل تا حد امکان معاف باشند. چنانچه در روایات آمد است؛ علی و فاطمه (ع) از رسول خدا (ص) تقاضا کردند که آن حضرت کارهای خانه و بیرون خانه را بین آنها تقسیم نماید. پیامبر (ص) انجام کارهای داخل خانه را به عهده فاطمه (س) نهاد و امور خارج از منزل را به عهده علی (ع) گذاشت. امام باقر (ع) می‌فرماید: «فاطمه (س) می‌گفت: «هیچ کس جز خداوند نمی‌داند که من چقدر خوشحال شدم از اینکه رسول خدا (ص) کارهای بیرون از خانه را به عهده من قرار نداد و مرا از مراد با مردان نجات داد.» (Majlesi, 1982)

^۱ - فیما اوصی به النبی لله علیا...: «یا علی لیس علی النساء جمعه ولا جماعه ولا اذان ولا اقامه»

^۲ - «...المرأة ریحانه و لیست بقهرمانه»

۱۴ - عدم الزام به انجام خدمت وظیفه عمومی (سربازی)

طبق ماده یک قانون اصلاح برخی از مواد قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب ۱۳۹۰، دفاع از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی ایران و جان و مال و ناموس مردم، وظیفه هر فرد ایرانی است و در اجرای این وظیفه، کلیه اتباع ذکور دولت جمهوری اسلامی مکلف به انجام خدمت وظیفه عمومی برابر مقررات این قانون می‌باشند. این درحالی است که خدمت وظیفه عمومی در برخی از کشورها نظیر رژیم اشغال گر صهیونیستی و کوبا بر زنان نیز الزامی است.

یافته های پژوهش

- برای قضاوت عادلانه و برآوردی منصفانه از یک حکم در اسلام، نباید تنها به همان حکم بسنده نمود، بلکه می‌بایست آن حکم را با دیدگاهی کل‌نگرانه و در قیاس با سایر احکام مجموعه بررسی نمود.
- اساساً موضوعاتی نظیر دیه، ارث، حق طلاق، شهادت و... ارتباطی به بعد اساسی وجود انسانی و روح الهی او ندارد تا در مسائل انسان‌شناسی و عظمت روحانی زن و مرد، معیار و ملاکی برای ارزیابی باشد.
- با ملاحظه ژرف و مذاقه در "مجموعه" احکام مالی اسلام، نظیر تکلیف مرد به پرداخت نفقه، مهریه و نحله و اجرت‌المثل ایام زوجیت، متاع به معروف، جهیزیه و حتی اجرت شیردهی در صورت درخواست زن و غیره، وجود اندک تفاوتی در ارث ذکور و اناث، تساوی حقوق زن و مرد را تحت‌الشعاع قرار نخواهد داد و چه بسا کفه ترازوی تکالیف مالی مرد نسبت به زن در مقابل کفه حق ارث بیشتر او، دچار سنگینی قابل ملاحظه‌ای شود.
- در خصوص موضوع دیه و شبهات مبتنی بر تبعیض علیه زنان، واقعیت آن است که "زن" و سایر وراث متوفی هستند که از این خون‌بهای کامل بهره می‌برند و عموماً این مرد (شوهر) است که از خون‌بهای نصف همسر مقتوله خود بهره‌مند می‌گردد، پس در مسئله دیه اگر متضرری هم متصور باشد، جنس مذکر است.
- به نظر می‌رسد کلیه قوانین و احکام موجود در خصوص زنان (در قالب دختر، همسر و مادر) تناسبی کامل و تام با طبیعت عاطفی و لطیف زن و توجه به قدرت جسمی کمتر او نسبت به مرد داشته و در راستای برآورده نمودن انتظارات پروردگار عالم از جنس زن در زندگی دنیوی به منظور ایجاد آرامش و آسایش در خانواده با محوریت مودت و رحمت، عشق و محبت و پاکی وضع گردیده است، لذا احکام مذکور، همواره با جانب‌داری فوق‌العاده، عطفوت بی‌حد و ملاحظه‌ای احترام‌گونه به زن، همراه بوده است.

• در مجموع برخلاف دیدگاه فمینیست ها در اسلام زن و مرد با هم برابرند؛ ولی حقوقی همانند و مشابه ندارند. در این خصوص می توان به حقوق ممتازه زنان نسبت به مردان از دیدگاه اسلام، فقه و حقوق، به مواردی نظیر احترام ویژه به شأن و حقوق مادر نسبت به پدر، حسنات الهی بودن دختران و مهربان تر بودن خداوند نسبت به آنها، ملزم بودن مردان به پرداخت مهریه و نفقه به زنان و تهیه جهیزیه منزل، مطالبه حق الزحمه زن (اجرت المثل ایام زوجیت) از مرد، اولویت مادر در حضانت اطفال، حمایت های دولت از زنان سالخورده، بی سرپرست و بد سرپرست، عدم الزام به انجام خدمت سربازی و عدم تکلیف به شرکت در جنگ برای زنان و ... اشاره کرد.

نتیجه گیری

تبلیغات رسانه ای طرفداران فمینیسم در ایران مبنی بر عدم حمایت فقه و حقوق ایران از جامعه ی زنان نسبت به مردان به حدی است که بسیاری از زنان جامعه با ناآگاهی از حقوق منحصریفرود خود که برگرفته از احکام مترقی فقه اسلامی است، بر این تصورند که تلقی حقوق اسلامی، نسبت به زنان، انتساب عنوان «جنس دوم» به این گروه از جامعه بوده است. فمینیست ها بعضاً برای اثبات ادعای خویش به نصف بودن ارث و دیه ی زن در برابر مرد استناد می کنند و این درحالی است که نتایج تحقیقات فقهی و حقوقی نشان می دهد دیدگاه مذکور، محکوم به برداشتی جزءنگرانه از مجموعه ی منسجم و به هم پیوسته ی مقررات مربوطه است؛ به بیان دیگر، هرگز نمی توان در بررسی مقایسه ای حقوق زن با مرد، بخشی جزئی از نظام حقوقی را مورد اشاره قرارداد؛ بلکه ضروری است مجموع حقوقی که زنان از آن برخوردار هستند و تکالیفی که بر عهده دارند را به عنوان یک مجموعه و نظام به هم پیوسته مورد ارزیابی قرار داد تا کفه ی سنگین حقوق زن نسبت به تکالیفش درمقایسه با تکالیف مرد و نیز سنگینی حقوق زن نسبت به حقوق مرد، روشن گردد.

بررسی ها نشان می دهد حقوق اسلام و به تبع آن، حقوق ایران، به مصلحت زن و مرد به طور یکسان می نگرد و توازن و تساوی حقوق و تکالیف زن و مرد و نه تشابه امتیازات و مسئولیت های آن دو را مدنظر دارد. حقوق اسلامی می خواهد کرامت و منزلت زن حفظ گردد، کانون گرم خانواده محفوظ بماند و زن نقش خود را به طور طبیعی ایفا کند، از این روست که مسئولیت های مرد را فزون تر از مسئولیت های زن قرار داده و کارهای دشوار و طاقت فرسا را که مانعی در مسیر انجام وظایف طبیعی زنانه است، از عهده ی زن برداشته است و به طور کلی، در حیطه مسئولیت های اجتماعی با تخفیف و تسهیل به زن نگرسته می شود.

برخلاف نگاه فمینیسم به تعامل حقوق اسلام و ایران با جامعه‌ی زنان، ما در متن آیات و روایات و مقررات فقه و حقوق ایران، به دیدگاهی بسیار ویژه نسبت به جنس زن برخورد می‌کنیم که در مجموعه‌ای غنی از احکام محبت‌آمیز به جانب‌داری و حمایت خاص از او می‌پردازد و اعطای این جایگاه ویژه، نشان از رسالت عمیق زن و نقش انسان‌ساز او در شکل‌گیری جامعه‌ای با معیارهای ناب اسلامی دارد. از امتیازات ویژه‌ای که در اسلام و حقوق ایران، صرفاً به زنان جامعه اختصاص دارد می‌توان به بهره‌مندی از حقوق نفقه، مهریه، جهیزیه، اجرت‌المثل ایام زوجیت، اجرت رضاع و شی‌رده‌ی، نحله، متاع به معروف، اولوی‌ت در حضانت اطفال، الزام مرد به داشتن فرزند، حق تقدم در دریافت مهریه و نفقه نسبت به سایر طلبکاران و عدم تکلیف در خصوص شرکت در جنگ، نماز جماعت، انجام وظایف خارج از منزل و انجام خدمت عمومی اشاره نمود.

لازم به‌ذکر است به دلیل کمبود منابع تحقیق در این خصوص و گستره‌ی مطلب، پژوهش صورت گرفته بسیار اجمالی است؛ با عین حال، راه برای تحقیقات جامع‌تر و تطبیقی و نیز پژوهش در خصوص روشن نمودن ابعاد و زوایای مختلف فصول مطروحه در تحقیق و تشابهات و اختلافات حقوق و تکالیف مرد و زن و مبانی آن هموار می‌باشد.

References

- The Holy Quran.
- Baboieh, M.(1992). Who does not attend the jurist. Islamic publishing office of the Society of Seminary Teachers of Qom.(Persian)
- Bahrani, A. (1992). avalemololomvalmoaref ,lahval men alayatvalakhbarvalaghval.Imam al-Mahdi Institute.(Arabic)
- Heli, A. (1986). Several da'i and the success of the courier. Islamic Book House.(Arabic)
- Hekmatniya, Mahmood.(2011). Woman & Family Law. Islamic cultural & hlough ..
- Horeameli, M. (1985). The means of the Shi'a are better to gather the issues of the Sharia. Al-Bayt Institute.(Arabic)
- Jazayeri, N.(2002). of Prophets. Translation F. Mashayekh, Farhan Press.
- JavadiAmoli, A. (2011).Woman in a mirror the glory and beauty. Asra Press.(Persian)
- Koleyni, M. (1986).Alkafi .Edited by Ghaffari Ali Akbar and Akhondi, Mohammed . Islamic Book House. (Arabic)
- Katooziyan, Naser. (1990). Family law. Vo1. Press company.
- Majlesi, M., Rohani, M. (1982).The life of Hazrat Zahra (AS). Maham Press. (Persian)
- Majlesi, M.(1982).Baharolanvar. Arab Heritage Revival House. (Arabic)

- Mohadesnori, H. (1987). Mustadrakat Alvsayl and catechism Mstnbt. Al-Bayt Institute. (Arabic)
- Motahari, M. (2000). The rights of women in Islam.). Sadra Press. (Persian)
- Najafi, M. (1984). Jawaher Al - Kalam in explaining the laws of Islam. . Arab Heritage Revival House. (Arabic)
- Qorbannia & others, (2005), research of women's law. New day Press .(Persian)
- Rezaie, T. (2000). In addition to the rights Siding. Book Review, No, 12. (Persian)
- Taha cultural institute (2000). New Thoughts Journal, look at the feminism, Qom.
- Tabatabaee, Mohammadhosein. (2000). Almizan. Vo19.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی